



درس فراج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴ دی / ۱۳۹۸

موضوع کلی: نواهی

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۱

موضوع جزئی: اجتماع امر و نهی - مقدمه دهم - بررسی کلام محقق بروجردی - حق در مسئله

جلسه: ۵۰

سال یازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

کلام پیرامون بررسی ثمره نزاع در بحث اجتماع امر و نهی بود، بعد از اینکه کلمات محقق خراسانی در باره ثمره نزاع را ذکر کردیم به تأملاتی که بعضی از بزرگان حول کلام محقق خراسانی داشتند اشاراتی داشتیم و آن‌ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادیم، از جمله آن‌ها مطلبی است که محقق بروجردی در این مقام فرمودند، ایشان با اینکه قائل به جواز امر و نهی است اما خلافاً للمحقق الخراسانی و چه بسا مشهور قائل به بطلان نماز در دار غصبی شده‌اند. وجه حکم ایشان به بطلان دیروز بیان شد، محصل دلیل محقق بروجردی این بود که در مسئله اجتماع امر و نهی آنچه امر و نهی در آن مجتمع می‌شوند وجود خارجی است و این وجود خارجی نمی‌تواند هم مقرب باشد و هم مبعد، مقربیت و مبعدیت با هم نمی‌تواند در موجود واحد خارجی اجتماع کنند، لذا نماز صلاحیت مقربیت پیدا نمی‌کند تا حکم به صحت آن شود. آنچه محقق بروجردی فرمودند طبعاً بر اساس قول به جواز اجتماع امر و نهی است، در این فرض محقق خراسانی قائل به صحت شد که وجه حکم به صحت را نیز بیان کردیم.

بررسی کلام محقق بروجردی

حال می‌خواهیم ببینیم اگر نماز در دار غصبی محقق شد، آیا این وجود واحد دیگر صلاحیت مقربیت ندارد و به هیچ وجه نمی‌توان حکم به صحت این نماز کرد؟

به نظر می‌رسد راهی برای حکم به صحت وجود دارد و آن این است که این موجود واحد خارجی دارای دو عنوان است، یکی عنوان صلاة است و دیگری عنوان غصب است، عنوان صلاتی می‌تواند مقرب باشد و عنوان غصبی می‌تواند مبعد باشد. چه اشکالی دارد یک وجود از یک حیث حسن محسوب شود و از یک حیث قبیح باشد؟ مگر اموری که در این عالم تحقق دارد همه دارای حسن صد در صدی هستند یا همه دارای قبیح صد در صدی هستند؟ ما الان می‌خواهیم این مطلب را در مقابل محقق بروجردی عرض کنیم که ایشان می‌گوید: به هیچ وجه ممکن نیست موجود واحد خارجی هم صلاحیت مقربیت داشته باشد و هم صلاحیت برای مبعدیت، چرا و چه مانعی از اینکه هر دو جهت در همین عمل تحقق پیدا کند وجود دارد؟ مثلاً اگر کسی در خانه خودش نماز بخواند، مکان یک مکان مباح است، آیا آن چیزی که صلاحیت مقربیت به این عمل می‌دهد خود نماز است یا قیامه یا اقامته فی مکان مباح، واقع شدن در مکان مباح نقشی در مقربیت نماز ندارد، بله نمی‌خواهیم بگوییم اگر مکان مباح نبود نقشی ندارد، نه، بحث این است که آن عواملی که باعث می‌شود نماز مقربیت پیدا کند این است که اجزاء و شرایط نماز محقق شود، حال یک مانعی الان مقابل آن به وجود آمده است، ولی اصل اینکه این نماز صلاحیت مقربیت دارد با قطع نظر از آن حیث غصبش قابل انکار نیست.

پس درست که این وجود خارجی واحد است، ولی دو عنوان دارد، یک عنوان آن عنوان صلاتی است که به این عنوان می‌تواند مقرب باشد، بله عنوان غصب هم دارد و عنوان غصب می‌تواند مبعده باشد، چه اشکالی دارد یک موجود هم مبعده باشد هم مقرب؟ ببینید اینکه ما نهایتاً کدام را ترجیح دهیم بحث دیگری است، ما فعلاً با این بخش از سخن محقق بروجردی کار داریم که یک موجود واحد خارجی نمی‌تواند مقرب و مبعده باشد، این اساس سخن ایشان است و بر این اساس حکم به بطلان کرد.

سوال

استاد: افعال انسان مگر صد در صد دارای حسن و مصلحت است یا صد در صد دارای قبح و مفسده است؟ یک شیء به اعتباری می‌تواند حسن داشته باشد و به اعتبار دیگر قبح داشته باشد، این چه اشکالی دارد؟

سوال

استاد: آن یک بحث دیگر است، اگر بخواهیم بطلان را روی مسئله تضاد احکام ببریم، آن چیزی است که محقق خراسانی در بعضی از فروض گفتند و بر اساس آن حکم به بطلان کردند که ما روی آن تأملی هم داریم که بعداً بیان می‌کنیم، ایشان نمی‌گویند چون تضاد دارند پس نمی‌شود نماز صحیح باشد، نمی‌گویند چون اینجا احکام متضاده جمع شدند نماز باطل است، می‌گوید: اینجا تضاد فی مورد واحد پیش آمده است، یک موجود واحد خارجی، همین جا، رکوع، سجود و نشست و برخاست ضمن اینکه مصداق نماز است، مصداق غصب نیز می‌باشد، این یک تصرف در مال غیر است. این عمل می‌تواند از یک جهت حسن داشته باشد و از یک جهت قبح. گفتیم واقعا مقربیت در نماز در مکان مباح مثلاً ناشی از چیست؟ عمده تأکید اینجا روی این است که وجود واحد چرا نتواند هم مبعده باشد و هم مقرب؟ شما این را بگویید، چه محذوری پیش می‌آید کونه مبعده فی جهة و کونه مقرب من جهة اخرى؟ این چه محذوری دارد؟ دو تا بحث است، ما نمی‌گوییم اینکه مقرب است مبعده شود و آن چیزی است که مقرب است مبعده شود و بالعکس می‌گوییم: این وجود خارجی اگر خود نماز را در نظر بگیریم این وجود خارجی با عنوان نماز می‌شود مقرب، بالاخره این وجود خارجی یک عنوانی دارد، همین وجود خارجی با عنوان غصب می‌شود مبعده. این تفکیک حیثیات و جهات و عنوان یک عمل به یک اعتبار می‌شود حرام و به یک اعتبار می‌شود واجب، ما این همه نمونه در فقه داریم.

سوال:

استاد: محقق بروجردی نمی‌گوید این نماز باطل است چون امر ندارد، این مراحل را در کلمات ایشان ملاحظه کردید، خود محقق خراسانی تصریح کرد که اینجا امر ندارد و بحثی در این مورد ندارد، (البته محقق بروجردی بر فرض جواز اجتماع می‌گوید) ولی بحث ایشان در فروضی که مبتنی بر نبود امر است، از راه ملاک وارد شده است. محقق بروجردی نمی‌گوید: چون امر ندارد باطل است، اصلاً تکیه ایشان روی این است که موجود واحد خارجی نمی‌تواند هم مبعده باشد و هم مقرب یعنی ولو اینکه امر ندارد صلاحیت مقربیت هم ندارد، زیرا ممکن است کسی بگوید در جایی امر نیست، اما ما می‌دانیم ملاک امر وجود دارد و صلاحیت مقربیت هست، این فرق می‌کند. اشکالاتی که بعضی از آقایان می‌گیرند، چه در فرض قول به جواز و چه در فرض قول به امتناع، چه حکم به صحت و چه حکم به بطلان بر اساس یک مبنایی است، یک وجهی باید داشته باشد، محقق بروجردی می‌گوید: نماز باطل است، حتی اگر ما قائل به جواز اجتماع شویم، زیرا وجود واحد خارجی نمی‌تواند هم مبعده باشد و هم مقرب و دیگر کاری به وجود یا عدم امر ندارد، فرض نیز این است که اصلاً امر وجود ندارد.

علی ای حال به نظر می‌رسد وجهی که ایشان برای بطلان نماز گفتند قابل قبول نیست.

حق در مسئله

کلمات محقق نایینی که عمدتاً در فرض قول به امتناع و تقدیم جانب نهی در یک صورت بود و نیز علی القول بالجواز و فرمایش محقق بروجردی را ملاحظه فرمودید، بالاخره حق در مسئله چیست؟ آیا آنچه که در ثمره نزاع گفته شده درست است یا خیر؟ مجموع مطالب محقق خراسانی در ثمره دهم قابل قبول است یا خیر؟ حق در مسئله چیست؟ محقق خراسانی گفت: اگر ما قائل به جواز اجتماع شویم به طور کلی باید حکم به صحت نماز کنیم، هر چند کسی که غضب می‌کند عاصی هم محسوب می‌شود و مستحق عقاب است، ایشان همچنین بنا بر قول به امتناع سه صورت را بیان کردند: اول علم به حکم و موضوع، دوم جهل تقصیری و سوم جهل قصوری. در دو صورت گفتند: نماز باطل است، اما در صورت سوم گفتند: نماز صحیح است. این بنا بر این بود که قائل به امتناع اجتماع امر و نهی شویم و جانب نهی را مقدم کنیم، اما بر فرض تقدیم جانب امر ایشان قائل به صحت نماز شدند. مجموعاً چندین صورت تصویر شد، محقق خراسانی در بعضی از صور گفت: نماز صحیح است و در بعضی از صور فرمود: نماز باطل است، بالاخره این ثمره است، ثمره یعنی اینکه در طرفین نزاع اگر از هر یک از این دو طرف جانب داری شود اثری بر آن مترتب شود. اینجا دیدید در بعضی از صور باید بگوییم نماز صحیح است و در بعضی صور باطل است. محقق نایینی به بخشی از سخنان محقق خراسانی اشکال کرد، محقق بروجردی نیز به بخشی اشکال کردند و گفتند: شما می‌گویید: علی القول بالجواز نماز صحیح است، خیر، علی القول بالجواز نماز باطل است، این هم انکار ثمره محسوب می‌شود، بالاخره حق با کیست؟ حق با محقق خراسانی است یا محقق نایینی یا محقق بروجردی؟

۱. بنا بر قول به جواز

اینجا ما باید یک بررسی کلی کنیم نسبت به آنچه محقق خراسانی گفتند، داشته باشیم. (این جمع بندی مطالب است که نسبت به کلمات محقق خراسانی خواهیم داشت و بعد وارد مقدمه یازدهم می‌شویم) محقق خراسانی بنا بر قول به جواز گفتند نماز صحیح است، گفتند: اگر کسی قائل به جواز اجتماع امر و نهی شد، قهراً باید بگوید نماز صحیح است، زیرا در مورد اجتماع، اولاً امر وجود دارد، الان که این عمل را انجام می‌دهد به قصد امر انجام می‌دهد، بر فرض امر هم نباشد می‌تواند به داعی و قصد امر انجام دهد، پس در هر حال این عمل آن جنبه عبادیتش می‌تواند محفوظ بماند فقط مسئله نهی است که متوجه غضب شده، لذا از باب اینکه این شخص با این نهی مخالفت کرده است استحقاق عقاب دارد مثل جایی که شخص در حین نماز به اجنبیه نگاه کند نمازش صحیح است اما به خاطر نظر به اجنبیه در حین نماز مستحق عقاب است.

سوال

استاد: فوقش این است که بعداً خسارت را می‌دهد، خدا خودش شرط را گذاشته است و می‌تواند بعداً بردارد، عقاب دارد به خاطر مخالفتش که چرا در مکان غضبی نماز خواندی؟ اما چرا نمازش باطل باشد، یعنی همه مقتضیات برای حکم به صحت نماز وجود دارد، تنها یک مانع دارد که غضب است که غضب نیز عقاب خودش را دارد.

سوال

استاد: دو تا بحث است. این حق است یعنی چی؟ لذا کسی که تصرف در مال غیر بکند هم حرمت تکلیفی را مرتکب شده است هم اگر خسارتی از قبل این تصرف پیش بیاید ضامن است، می‌گوییم: او با این قانون مخالفت کرده است و عقاب خواهد شد تا زمانی که او رضایت ندهد اما این ربطی به صحت و بطلان نماز ندارد. لذا در فرض جواز اجتماع امر و نهی وجهی برای حکم به بطلان نیست و حق با محقق خراسانی و مشهور است و همانطور که ملاحظه کردید دلیلی که محقق بروجردی ذکر کردند برای بطلان قابل قبول نیست.

۲. بنا بر قول به امتناع و تقدیم جانب امر

اما بنا بر قول به امتناع اگر خاطرتان باشد محقق خراسانی فرمودند: بنا بر قول به امتناع اجتماع امر و نهی خودش دو صورت دارد: یک وقت جانب امر مقدم می‌شود و گاهی جانب نهی، اگر جانب امر مقدم شود، قهرا معنایش این است که اینجا یا خود امر یا ملاکش وجود دارد و قاعده اقتضاء می‌کند این نماز صحیح باشد، این را محقق خراسانی گفتند و ما نیز تقریباً می‌توانیم همین را بگوییم.

فقط یک ملاحظه‌ای اینجا وجود دارد و آن اینکه اینجا قید مندوحه در کار نباشد، محقق خراسانی این را نگفتند، زیرا اگر مندوحه در کار باشد، یعنی این مکلف هم بتواند در مکان غصبی نماز بخواند و هم در غیر مکان غصبی، یعنی اختیار داشته باشد و مجبور نباشد در مکان غصبی نماز بخواند، بلکه بتواند در غیر مکان غصبی نیز نماز بخواند، اینجا دیگر وجهی برای تقدیم جانب امر نیست، این حاشیه‌ای است که نسبت به سخن محقق خراسانی می‌توانیم ذکر کنیم. اینجا درست است که هم امر داریم و هم نهی، امر به نماز و نهی از غصب، امر بر اساس ملاک خودش و نهی بر اساس ملاک خودش متوجه به متعلقات خودش شده‌اند، الان در جایی که این شخص می‌تواند امر را در خارج از مکان غصبی اتیان کند به چه دلیل بگوییم این شخص در همین مکان امر به نماز دارد، پس با وجود مندوحه دیگر وجهی برای تقدیم جانب امر نیست. این ملاحظه‌ای است که نسبت به سخن ایشان داریم. محقق خراسانی فرمودند علی القول بالامتناع و تقدیم جانب امر ما حکم به صحت نماز می‌کنیم، بلکه اینجا حکم به صحت نماز روشن‌تر است از حکم به صحت نماز علی القول بالاجتماع، عرض ما این است که این در صورتی است که مندوحه نباشد ولی اگر مندوحه در کار باشد نمی‌توانیم بگوییم امر مقدم بر نهی می‌شود. زیرا اگر مندوحه باشد و امکان خواندن نماز در غیر مکان غصبی فراهم باشد دیگر جایی برای تقدیم جانب امر بر نهی نیست، زیرا وقتی می‌توانی در جایی غیر از مکان غصبی نماز بخوانی چرا اینجا نماز می‌خوانی؟ این امر دیگر مقدم بر نهی نمی‌شود.

سوال

استاد: طبق قول به اجتماع می‌گویید اینجا امر دارید، امر هم وجود دارد.

سوال

استاد: گفتیم آنجا اصلاً بحث مندوحه را نداریم، بعضی‌ها تقیید کرده بودند محل نزاع را به قید مندوحه، محقق خراسانی این را انکار کرد، ما بیان ایشان را نپذیرفتیم ولی به بیان دیگر گفتیم که قید مندوحه لازم نیست، در فرض اجتماع مشکلی نیست، علی القول بالامتناع که جانب امر مقدم شود این محذور پیش می‌آید.

پس تا این جا خیلی با نظر محقق خراسانی (غیر از این تبصره و حاشیه‌ای که در این مورد اخیر مطرح کردیم) مخالفتی نشد، عمده آن فرض قول به امتناع و تقدیم جانب نهی است، این جا محقق خراسانی سه صورت کردند:

اول: آن جایی که مکلف می‌داند این زمین غضبی است و می‌داند غضب حرام است، التفات به حکم و موضوع دارد که گفتند نماز باطل است.

دوم: آن جایی است که جهل دارد، نمی‌داند این مکان غضبی است، یا نمی‌داند حکم غضب عبارت از حرمت است ولی مقصر است یعنی احتمالش را می‌دهد ولی نمی‌رود دنبالش تا بفهمد که این زمین غضبی است یا خیر و نمی‌رود دنبالش تا حکم غضب را بفهمد و نماز می‌خواند، این نماز نیز باطل است.

سوم: آن جایی است که نه تنها از موضوع غضب آگاه نیست یا از حکم غضب آگاه نیست، احتمال غضبیت را نمی‌دهد یا احتمال حرمت نمی‌دهد که این نحوه تصرف حرام است، مثلاً فکر می‌کند درست است که غضب اشکال دارد ولی فکر می‌کند نماز خواندن اسمش غضب نیست، این هم یک فرض، کأنه خدا استثناء کرده است که انسان در زمین غضبی نماز بخواند، این فرق می‌کند با چیزهای دیگر، اینجا این نماز صحیح است.

حال باید کلام محقق خراسانی را در این سه صورت بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»